



“برابری، رفاه و امنیت” جولان اعلیحضرت روی بشکه باروت!

فواد عبداللهی

حکمتیست

۹۹

۲۵ ژانویه ۲۰۱۶ - ۵ بهمن ۱۳۹۴
دوشنبه ها منتشر میشود

“انتخابات” و اوضاع سیاسی ایران

جلسه گفت و شنود با آذر مدرسی از رهبری حزب
حکمتیست (خط رسمی) در لندن صفحه ۴

خانم ساکت باشید، مجلس

جای اینکار نیست!

مونا شاد

نوشین احمدی خراسانی اخیرا ویدیویی را منتشر کرده که از زنان دستفروش نظرشان را جویا میشود که از زنان نمایندگان مجلس چه خواسته هایی را دارند:

دستفروش: من از مجلس به خونه میخام!
خراسانی: مجلس جای قانونگذاریه!!!

“امام” در بازخوانی زندگانی و دستاوردهای پدربزرگ ادعا میکند که اساسا مکتب “امام” محصول آموزه های “هاری کریشنا” بوده است. خامنه ای هم گفته بود که اصلا فقه نباید از هنر غافل شود!

و اکنون جناب پهلوی، کسی که با رویای چلیپی شدن و با پشتوانه ارتش و آذوقه آمریکا میخواست شانس به قدرت رسیدنش را با عراقیزه کردن جامعه ایران امتحان کند، حال بعد از کور شدن افق “رژیم چنچ” عموسام، آتیه سیاسی خود را به “خلقی” و پوپولیستی کردن آرمانهای بخشی از بورژوازی رانده از حکومت گره زده است! ←

۱- چه شده است؟! پهلوی و پرچم “برابری، رفاه و امنیت”؟! به هیچ وجه! ایشان نگران سهم تاریخی بخشی از بورژوازی ایران در خارج کشور است که خود نماینده سیاسی آن است. این نوع اظهارات پوپولیستی و گریم های چهره در این دوره زمانه از جانب راست ترین گرایشات و شخصیتها، و متر کردن خود در قامت “مطالبات رفاهی” مردم محروم، مد شده است. سالهای نه چندان دور، خمینی هم گفته بود که “خدا خودش کارگر است و لاکن ما همه کارگریم.” و رفسنجانی کمپین “آزادی زنان” و تمجید از نقش کارگران نفت در انقلاب ۵۷ را راه انداخته بود. نوه

آقای رضا پهلوی اخیرا از زیر کرسی “شورای ملی” اش، اطلاعیه ای صادر کرده و دنبال کسب اعتبار سیاسی روی بشکه باروت است: “اینک زمان آن فرا رسیده تا از یارانه های ناچیز و سید مواد خوراکی ۲۴۰۰ تومانی گذر کنیم و برای آنچه شایسته و درخور نام ملت بزرگ ایران است، همانا “برابری، رفاه و امنیت” برای هر شهروند ایرانی داشته باشیم... باری زمان آن فرا رسیده تا باردیگر برای تحقق آرمان های ملی و در راستای منافع مردم کشورمان گام برداریم و دست در دست هم به مبارزه خود قوی تر از هر زمانی ادامه دهیم تا وطن را آباد کنیم.”

داری و جمهوری اسلامی و قانون اساسی و شریعت ضد زن اش و غیره باشند. حتی اگر بگذارند یک نماینده به نام کارگر برود و از حقوق کارگر بگوید بدوا و قبل از اشغال کرسی مجلس باید به سر نظام و قوانینش قسم خورده باشد. در انتخابات پیشاروی در ایران مثل همیشه، سرنوشت انتخابات نه از بالا بلکه از پایین تعیین میشود. چه تعدادی از مردم شرکت میکنند یا نمی کنند تعیین کننده این انتخابات است. این که کل بورژوازی از خامنه ای تا پایین ترین شان از مردم التماس میکنند در انتخابات شرکت کنید، یک حيله یا حقه بازی نیست. جدی است! ... صفحه ۳



سرنوشت انتخابات را که تعیین میکند!

مظفر محمدی

به مجلس شورای اسلامی بروند و به این رژیم مشروعیت بدهند هر اندازه زیاد یا کم هم باشد فرقی نمیکند بالاخره تعدادی باید بروند. رفتن این تعداد با هر هدفی و از هر گرایشی چه ان کسی که فکر میکند به مجلس میرود و حق موکلینش را میگیرد، حق کردها یا بلوچ ها و غیره را میگیرد یا کسی که اصلاحاتچی است و میرود فضا را برای جنبش خودش باز کند... فرقی نمی کند. سرانجام همه میروند تا حافظ نظام سرمایه

سرنوشت هر انتخاباتی برای مجالس جمهوری اسلامی برخلاف نظر خیل مفسرین و “صاحبنظران”، مردم تعیین میکنند، نه جمهوری اسلامی. اینکه بورژوازی هر کشوری و از جمله ایران در جریان انتخابات چه اندازه قلب میکند یا در عرف جمهوری اسلامی چه تعدادی از کاندیداها از غربال شورای نگهبان میگذرند و چقدر میمانند در سرنوشت انتخابات تعیین کننده نیست. تعداد کسانی که میخواهند

خراسانی این دلسوخته نظام چه بی شرمانه در آن سوی تریبون قرار می گیرد و در چشمان زنی نگاه میکند و به دروغ مژده تصویب قوانین برای بهبود وضعیت زنان را میدهد. دستفروشی که تمام سرمایه زندگی شان یک گاری دستی از لبو، سبزی، تعداد دستمال کاغذی و خرت و پرت است و این روزها توسط سگان هار شهرداری و مجریان قانون دولت اعتدال و امید روحانی، وسایل شان به یغما برده میشود و در جلوی چشمان مردم مورد ضرب و شتم وحشیانه قرار میگیرند، چگونه توسط امثال خانم خراسانی به نفهمی متهم میشوند! گویا مطالبه تصویب قانونی در تضمین “حق برخورداری از مسکن مناسب برای همه” حرف نامربوطی است. اما در عوض حشر و نشر و گفتمان این طیف تکنوکرات “گند دماغ” از خود راضی، با مقامات بر سر تفاسیر من درآوردیشان از اسلام، خیلی به زندگی زنان مربوط است! این فمینیست اسلامی تمام تلاشش را میکند تا اثبات کند که هنوز میتوان به حکومت اعدام، جانی، شکنجه گر، خدزن امید داشت. ... صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری

جولان اعلیحضرت ...

ایشان مدافع رفاه، برابری و امنیت مردم نیست، برعکس، در جستجوی راهی است که سهم و قدرت سیاسی حاجی برخوردارها، دودمان خسروشاهی ها، ابروانی ها، خیامی ها، و میراث خیل سرمایه داران بی عمامه را در کنار رفسنجانی ها، خامنه ای ها، بچه های سپاه، و خاندان توده - اکثریت با شعار پرمطراق "برابری، رفاه و امنیت" نمایندگی کند.

امروز آن عاملی که بورژوازی ایران از روحانی تا پهلوی و نگهدار را بغل هم میگذارد، از آنها عکس یادگاری میگیرد و مجبورشان میکند از مطالبات رفاهی مردم دم بزنند، چیزی جز فشار از پایین و نقش کلیدی طبقه کارگر نیست. فشاری که با انقلاب ۵۷ شروع شد و هنوز کابوس بورژوازی ایران است. این آن واقعیتی است که همه جناح ها و اشکال بورژوازی در ایران، این گرگهای در لباس میش را به چاپلوسی آشکار پوپولیستی در برابر طبقه کارگر انداخته است! تمامشان مونوتون سخن میگویند، تمامشان هم قیافه و هم وزن و هم قافیه شده اند. انگار همه این اردو در یک گرمابه عمومی مشت و مال خورده اند؛ هذیان های مشابه، همدلی ها و دردهای مشترک بی درمان؛ فهمیده اند که با جامعه طرفند، و نه با مثنی سیم و فیوز سوخته؛ با شبکه پیچیده ای از روابط و مناسبات اجتماعی که احساس و شعور انسان قرن ۲۱ را در خارج از محدوده اختناق و استبداد ملی - مذهبی شکل میدهد. فهمیده اند که مخاطب این دولت و این نظم امروز، دیرزمانی است از روبنای گنبدیده سیاسی این سیستم و جناحهای سوخته بورژوازی آن عبور کرده است.

۲- اینکه کسی مانند رضا پهلوی

بباید و از مطالبه "برابری، رفاه و امنیت" که اساسا به سنت کارگری و جنبش سوسیالیستی مربوط است، را به ناسیونالیسم ایرانی و "آرمانهای ملی" وصل کند، آلیاژ بالایی از "اعتماد به نفس" نیاز دارد. ده ها میلیون بیکار، شاغلین با مزدهای پرداخت نشده یا ناکافی، بی منزل ها و بی خانمان ها و غیره... با وعده "دموکراسی" و دفاع از "آرمانهای ملی" هم نمیتوان این کارگران، معلمین، پرستارها، کارمندان جزء و غیره را ساکت کرد و به خانه فرستاد. این مشکل اصلی رضا پهلوی و جمهوری اسلامی است. برای هرکس که امروز چشم به قدرت در ایران دارد کافی است که نشان دهد با این دودوزه بازی های پوپولیستی و با بدل کردن مطالبات عمیق رفاهی طبقه کارگر به سیم بوکسیل "آرمانهای ملی" بورژوازی ایران، نمیشود یک طبقه اجتماعی قدرتمند که چرخهای اقتصادی مملکت را در دست دارد، به زاپاس سیاسی طبقه حاکمه و جنبش ناسیونالیستی تبدیل کرد.

از سوی دیگر، نمی توان با یک گردش دست، تاریخی هشتاد ساله را محو کرد و در میان بهت و حیرت همگان اعلام کرد که "خوب، از اول شروع کنیم". بویژه این که "اپیزود" جمهوری اسلامی این تاریخ، نتیجه مستقیم بخش پهلوی آن است. از نقطه نظر جامعه ایران، هشتاد سال گذشته یک تاریخ یک دست را تشکیل میدهد، یک تاریخ استبدادی؛

و به این اعتبار، پاسداری از سرمایه و امنیت آن با بیرق "دموکراسی" و مطالبات پوپولیستی بورژوازی محال اندر محال است؛ تامین کار اربابان کارگر و سودآوری سرمایه در ایران تنها در گرو دیکتاتوری مطلق طبقه حاکمه است و نه هیچ کدام از اشکال "خوشخیم" بورژوازی و آلترناتیوهای "دموکراتیک" آن! طومار سرمایه و

ارتجاع در ایران با سربرآوردن هر ذره از مطالبات رفاهی طبقه کارگر، و خواست عمیق آزادی و برابری در هم می پیچد. بیخود نیست که تضمین امنیت سرمایه در ایران با بیش از نیم قرن تاریخ، به کمک شاه یا ولی فقیه نیازمند تحمیل استبداد، ضدیت با کمونیسم و سرکوب مطالبات رفاهی طبقه کارگر بوده است.

۳- طبقه کارگر در ایران وزن بالایی دارد؛ یک تلنگر کمونیستی کافی است تا بساط سرمایه داری و دولتش را در هم پیچد. خطر کمونیسم و کارگر، آن عقبه ای است که آقای پهلوی و کل سران این رژیم را از

ترس و وحشت به دم زدن دروغین از مطالبات رفاهی طبقه کارگر و محرومین در ایران کشانده است. طبقه کارگر در ایران بیش از این گوشت دم توپ سهم خواهی جناح های سرمایه نخواهد شد. به این اعتبار زمان رقصیدن کمونیسم و طبقه کارگر است. در سیاست، متحد و متحدان شدن، قدرتمند شدن و به مصاف طلبیدن اردوی بورژوازی است. جامعه ایران، کمونیستها و طبقه کارگر میتوانند پیش درآمد انقلاب کارگری و به این اعتبار، رهایی واقعی انسان در سراسر جهان شوند. تنها آنوقت بشریت طعم رفاه، امنیت، آزادی و برابری را خواهد چشید.

رفاه؛

(بخشی از "منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران")

- رفاه، فراغت، تفریح، آسایش و امنیت، حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض ابتدایی ترین حق و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی است. برای تامین رفاه در اولین قدم مطالبات فوری زیر را، که با سرعت قابل تامین است، باید به نیرو و قدرت متحد و متشکل خود تحمیل کرد.

- تعیین حداقل دستمزد، توسط نمایندگان کارگران

- بالا رفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم

- برقرار فوری حداکثر ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)

- تعطیلی دو روز متوالی در هفته

- پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال

- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال

- پرداخت بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد به همه افراد بالای ۵۵ سالی که فاقد حقوق بازنشستگی هستند

- حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه. ارایه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی

- تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان، تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است.

- تعیین حقوق مقامات سیاسی و اداری کشور (نمایندگان مجلس، شهرداران، استانداران، فرمانداران، قضات دادگاهها و...) برابر با مزد متوسط کارگر.

- در جهان امروز رفاه بدون احترام به محیط زیست و حفاظت از آن، عملی نیست. از این رو حق برخورداری از یک محیط زیست امن و سالم، حق بی چون چرای همگان است.

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر جمهوری اسلامی!

سرنوشت انتخابات...!

بنابراین مخاطب ما نه بورژوازی و یا کاندیداهای گرایش‌های مختلف درون طبقه حاکمه، بلکه طبقه کارگر و مردم زحمتکش است. ما به آن اولی‌ها ابرادری نمیتوانیم بگیریم که چرا به مجلس میروید یا نامزد میشوید. آنها تصمیم‌شان گرفته اند برون به نظام خدمت کنند. مجلس اسلامی نهادی مثل سپاه پاسداران و بسیج و قوه قضاییه و غیره است.

اما ابرادری اگر هست که هست، این است که مردم برونند و به آنها رای بدهند. باید یقه خودمان را بگیریم. یقه طبقه کارگر و مردم زحمتکشی که در مدت بیش از سه دهه این نظام و مجلس هایش می‌داند چگونه زندگی کرده و میکنند و چه مصیبت و فلاکت و سرکوبی را متحمل شده اند. بنابراین لازم نیست به این طبقه و کل زحمتکشان جامعه از زن و مرد گفت چرا نباید در انتخابات شرکت کنند.

اما در این میان ما با جماعتی روبرو هستیم که می‌خواهند با انواع حیل و ریا و وعده و امید دادن، بخشی از جامعه را قانع کنند که شرکت در انتخابات لازم است. می‌گویند شما شرکت نکنید یا نکنید آنها نمایندگان‌شان را به مجلس می‌فرستند پس بهتر است شرکت کنید و میان بد و بدتر، بد را انتخاب کنید. بعضی‌ها پا را فراتر می‌گذارند و می‌گویند در میان نامزدها ادم‌های خوبی هستند که نیت خیر دارند و اگر برون کار خیری انجام میدهند. برای مثال در میان احزاب ناسیونالیست و فدرالیست و قوم پرست کردستان دو عدد به اسمی خالد عزیزی رییس حزب دمکرات کردستان و عبدالله مهتدی رییس سازمان زحمتکشان پیدا شده اند که به مردم کردستان می‌گویند در انتخابات شرکت کنید تا از این راه مساله کرد به مجلس برود و این به نفع

مردم کردستان است و می‌گویند مگر فراکسیون کردهای مجلس تا حال بد بوده؟!

بگذریم که این دو حزب و سازمان و رهبرانشان در کردستان عددی نیستند و اعتباری ندارند. سیاست‌التماس و توکل‌شان به جمهوری اسلامی که بلکه دو پاسدار بفرستند تا در کنسولگری جمهوری اسلامی در اربیل آنها را بحضور بپذیرد، بر همه آشکار است. کسی هست نداند که اینها حتی به سپردن ژاندارمری چند روستای لب مرز به آنها هم قانع اند اما این اجازه را هم تا حالا نگرفته اند!

عقل زیادی لازم ندارد تا به اینها گفته شود که هر دو مساله و توجیه تان چقدر پوچ و وارونه است. تاریخ سه دهه اخیر نشان داده است که رفع ستم ملی و بیحقوقی کارگر و زحمتکش و زن و جوان در کردستان تا حالا نه از طریق مجلس و فراکسیون کردها در آن، بلکه در یک مبارزه نظامی و سیاسی و یک جنبش اعتراضی و رادیکال قدرتمند تا کنون روی میز جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

دوم گویا آدم‌ها و ناسیونالیستهای کرد خوبی هم داریم که نیت خیر دارند. اما مگر کسی مغز خر خورده باشد که تاحالا نفهمیده و نفهمد که در چهارچوب این نظام و قوانین و عرف و سنت اش اگر فرشته هم باشی باید در لباس دیو سر کرسی مجلس بنشینی و جز حفاظت از این نظام و قوانینش کاری نمی‌توانی بکنی. مگر مجلس شورای اسلامی برای نمایندگی کردن حقوق طبقه کارگر و زحمتکشان و حقوق بگیران جزء و زنان و جوانان بیکار چه فارس یا کرد یا بلوچ و عرب دایر شده و می‌شود؟ باید مثل خالد عزیزی و عبدالله مهتدی آنقدر ورشکسته و بیچاره و مستاصل بود که بعد از ۳۵ سال مبارزه مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی و ستم و فقر و

محرومیتهای که متحمل شده است، امروز به مجلس اسلامی این نظام التماس کرد که رحمی به حال این مردم بکند. اگر ناسیونالیستهای بی اعتبار، افقی برای خود نمی‌بینند جز التماس از جمهوری اسلامی، برای اینکه در گوشه‌ای ماموریتی یا ثروتی در جمهوری اسلامی نصیب‌شان شود، اما کارگران و مردم زحمتکش کردستان که در همه این سالها مبارزه و اعتراض و اعتصاب کارگری و عمومی و غیره را برای کسب حقوق شهروندی مساوی و دستمزد و آزادیهای سیاسی و اجتماعی و برابری زن و مرد، ادامه و سازمان داده اند، جواب دیگری دارند و باید داشته باشند.

ناسیونالیستهای کرد مایوس و

مستاصل برونند بلکه قرص نانی از خوان یغمای دسترنج طبقه کارگر و زحمتکش جلوشان انداخته شود، اما کارگران و زحمتکشان کردستان از زن و مرد و جوان، به این امامزاده به نام مجلس اسلامی امیدی ندارند و توکل نمی‌بندند. مردم به امید و وعده هر ادم خل و چل یا کلاشی که می‌خواهد رای مردم را بگیرد تا یک کرسی در مجلس را از آن خود کند و حقوق بیشتری بگیرد، فریب نخواهند خورد.

جواب کوتاه است: ما در انتخابات مجالس جمهوری اسلامی شرکت نمی‌کنیم. حق گرفتاری است، دادنی نیست! این جواب نه تنها در کردستان بلکه در سراسر ایران، تعیین کننده سرنوشت انتخابات است!

آزادی؛

(بخشی از "منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران")

- آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه.

- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل.

- آزادی مذهب و بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش. هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب ممنوع است. کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باید باشند.

- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده.

- تأمین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات اجتماعی - سیاسی و اقتصادی جامعه در سطوح مختلف.

- برابری کامل و بی قید و شرط کلیه شهروندان ایران، مستقل از تابعیت، در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی. کلیه ساکنین کشور، مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، یا اعتقادات مذهبی، اعضای متساوی الحقوق جامعه اند و در دسترسی به همه امکانات جامعه، برابری دارند.

- ممنوعیت تفتیش عقاید. حق استتکاف شخص از ادای شهادت علیه خود که بتواند به اعلام جرم علیه وی منجر گردد. آزادی سکوت درباره نظرات و اعتقادات شخصی.

- مصونیت زندگی خصوصی افراد - مصونیت محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی. ممنوعیت استراق سمع، تعقیب و مراقبت.

- مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.

زنده باد انقلاب کارگری!

کارگران جهان متحد شوید! Workers of The World Unite!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

خانم ساکت باشید...

هنوز وعده ها و شعارهای پوچ گشایش اقتصادی و شعارهای حقوق برابر زنان از طرف دولت اعتدال در گوشه‌هاست که خراسانی ها و دارودسته اش چادر به کمر بسته و برای حفظ تنور داغ انتخاباتی با نام "تغییر چهره مردانه مجلس" به خیابان ها آمده اند تا زنان را قانع کنند که حضور زنان شکم سیری چون ایشان به مجلس تنها روزنه امید به تغییر وضعیت شماس است.

اینها دیگر دماغ شان به اندازه کافی بلند هست که کسی دروغ شان را باور نکند. زنی که حق انتخاب پوشش را ندارد و برایش تعیین تکلیف میکنند، زنی که در قانون مجازات اسلامی ارزش جان او از ارزش جان مرد به اندازه یک ششم یعنی طبق جدول محاسبات اسلامی به اندازه "ارزش بیضه چپ مرد (یعنی معادل ۵۸۰ گرم طلا)" کمتر است، بی تردید مخاطب خانم خراسانی نیست. این زنان تنها میتوانند به ابعاد نجومی "سنگ پای" روی خانم خراسانی درود بفرستند!

وقتی تبعیض جنسی در حق زنان و در تمام ابعاد اجتماعی از داخل اتوبوسها گرفته تا محیط کار و دانشگاه و ... وجود دارد، ادعای حق انتخاب و تصویب قوانین به نفع زنان توسط نمایندگان زن در "مجلس زن ستیز" جوک است، فریبکاری است.

دولت امید، سرمایه ای عظیم از جان کندن و عرق ریختن کارگرانی که هرماه برای دستمزد ماهیانه شان دست به اعتصاب میزنند و اخراج میشوند و یا در زندان ها جان میدهند، اندوخته است.

در حالیکه صدها تن خشت طلا و

میلیاردها میلیارد تومان از دلارهای آزاد شده بعد از روابط با کشورهای اروپایی را برای بازسازی شیدخانه های امام زاده ها به کشورهای دیگر می بخشد، و خانواده های کارگری و زن دستفروشی که تنها میخواهد از همسر بیمارش حمایت کند و در حسرت داشتن سرپناهی است تا بتواند لحظاتی در زیر بار اینهمه مشکلات کمی نفس بکشد، زندگی کند و بچه دار شود، انتظارش از دسترسی به مسکن، از نظر خانم خراسانی نامربوط است! خراسانی میخواهد زن را مجاب کند که این خواسته ها بی ربط است و کار نمایندگان مجلس قانون گذاری است.

خانم خراسانی! زنان امروز دیگر بیشتر از شما مدعیان روشنفکر پادوی حکومت ها و "بادمجان دور قاپ چین ها"، به حق و حقوقشان آگاه هستند. میدانند که نمیخواهند کسی برایشان تعیین و تکلیف کند. حجابهای خواست رژیم را پس زده اند. بدون زیربار رفتن شریعت و دین، دختران و پسران انتخاب کرده اند که زیر یک سقف زندگی کنند. هرجا که رژیم برای محدودکردنشان بیشتر فشار می آورد، بیشتر رژیم دچار مشکل و هزیمت میشود. با وارد شدن زنان به بازار کار و اقتصاد هرچند رژیم سعی میکند آنها را از عرصه اقتصادی محروم کند و به خانه داری و بچه داری مشغول کند، اما دیوارها و سدها را می شکنند. دست شما، که هر زمان به بهانه ای برای حفظ نظام تلاش میکند برای زنان رو شده است و دماغ تان درازتر از آن است که کسی دورغ های شما را باور کند.

دست از سر جنبش زنان بردارید و

"انتخابات" و اوضاع

سیاسی ایران

جلسه گفت و شنود با آذر مدرسی، دبیر کمیته مرکزی حزب حکمتیت-خط رسمی در لندن

زمان: شنبه 30 ژانویه 2016

ساعت 3 الی 5:30

دوستانی که میل به شرکت در این

جلسه هستند جهت اطلاع از آدرس مکان

با بختیار پیرخضری مسئول کمیته حزب

در لندن تماس بگیرید

07577952113



کمیته انگلستان حزب حکمتیت-خط رسمی واحد لندن

محترمانه یا غیرمحترمانه بسمت در خروج از جنبش زنان برد و ایشان را بیرون کرد.

تغییر وضعیت زنان تنها در صورتی امکان پذیر خواهد بود که این فشارها از بیرون حکومت بر حاکمیت باشد. تمام سیستم های قدرت، سرکوب و امکانات موجود در اختیار دولت و حاکمیت است. این تغییر موازنه قوا و به عقب راندن جمهوری اسلامی تنها در خارج از چهارچوب حکومت و از دل جامعه با دخالت وسیع طبقه کارگر و همه زنان و مردان آرایخواه و برابری طلب، امکان پذیر خواهد شد.

بروید آش نذری تان را ببزید! بلکه امامان تان به دادتان رسیدند و شورای نگهبان به رحم آمدند و ۳۰ درصد از سهم قدرت مجلس به دستتان افتاد تا در مجلس و قانون ضد زن، شما هم سهمی ببرید.

زنان آگاه تر و جلوتر از آنند که شما تاریک اندیشان مدعی روشنفکری، فکرش را می کنید. زنان کارگر میدانند همانطور که تاکنون ثابت شده رای دادن به دار و دسته رژیم جز مشروعیت بخشیدن به نظام سود و سرمایه که تحکیم قدرت اش به ضرر اکثریت زنان است، سود دیگری برای آنها نخواهد داشت. زنان تسلیم نمی شوند تا بر پشت شان پا بگذارید و بالای منبر بروید تا حکم قوانین زن ستیز را در بسته بندیهای شیک تری، مشروعیت دهید.

باید بر تن خانم خراسانی پشت تریبون "خانم ساکت باشد مجلس جای طرح مطالبه مسکن و هزار و یک مطالبه خفه شده دیگر نیست"، اول عباي اسلامی پوشاند و سپس ایشان را

حکمتیت را بخوانید!

حکمتیت را توزیع و

پخش کنید!

www.hekmatist.com

سردبیر: فولادعبدالله

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

قدرت طبقه کارگر در تخریب و تشکل اوست!